



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۳/۲۱



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## سرمه های آزموده!!

یادداشت اداره:

این متن و این شعر عالی چند سال قبل هنگام اختلاف و مشکل دولت با اسماعیل خان نوشته و سروده شده بود که الحق زیبا و بجا بود. اینک بعد سالها باز عین مشکل و مخالفت را آقای عطا محمد نور، ضیاء احمد مسعود، شهزاده ربانی، اسماعیل خان و در پشت پرده رشید دوستم به راه انداخته اند. جا دارد این نوشته و سروده را به اجازه جناب ملک الشعراء اسیر دوباره به دست نشر بسپاریم. (آریانا افغانستان آنلاین)

با حرمت و احترام به مقام والا و مقدس مجاهد، خاصه مجاهد پاک، بی آلایش، صادق به وطن که جان های عزیز خود را صادقانه و عاشقانه در راه حفظ آزادی، نوامیس ملی و افتخار وطن قربان و در گمنامی به حق پیوستند و امروز کسی از ایشان یاد نمی کند، می خواهم سروده ای را که در گرما گرم یخن دریدن های تنظیمی سروده شده است به یاد آن روز های تاریک به دست نشر بسپارم.

در جایی نوشته بودم که من و دوستانی به سن و سال من، تاریخ زنده هفتاد سال اخیر هستیم که با شکفتن هر گل در وطن می شکفتیم و با ریختن هر برگ از درخت، سراپا می لرزیدیم و امروز هم با وجود دوری از وطن، با حوادث آن پیوند ناگسستنی داریم. متأسفانه قسمی که انتخابات و تعیین رئیس جمهور، طولانی و پر جنجال بود، اینک کابینه زیر نام وحدت ملی هم، جنجال برانگیز تر شده است، بخصوص که فیل امیر صاحب اسمعیل خان کنجاره خواب دیده یاد هندوستان می کند.

با روی کار آمدن دولت تنظیمی «من با خود داری از اهانت به مقام والا و ای مجاهد، اصلاً دولت مجاهدین نمی گویم» که هر عضو آن به فرمان برداری از کسی و دستگاهی، بیرون از سرحد وابستگی داشت، به فرمان روایی گماشته شده بود.

در دوران فرمان روایی تنظیمی، این فاجعه به سطح ملی و بین المللی از دیده ها دور نماند که سرمایه های مادی و معنوی مردم از بنیاد ویران شد و خائنه ترین اعمال چون دزدی، قتل، غارت، تجاوز بر نوامیس مردم، غصب دارائی های ملی، ویرانی آثار تاریخی، میخ کوبیدن در سرها، رقص مرده و. و. هزاران بدعت غیر انسانی و

اسلامی در برابر مردم صورت گرفت و اینک امیر صاحب که به یقین غم خود و گماشتگان خود را می خورد، با ادعای کاذب بی نظمی و قیام های دو ماه بعد راهم پیش بینی می کند. این ها از جمله امیر صاحب ادعا دارند که به مجاهدین راه حق «منظور همان آدم کشان تنظیمی است»، چرا در دولت راه و جاه داده نمی شود. به عقیده من بهتر است این آقا را چند گاهی خانه نشین و تحت نظارت بگیرند تا ازین بلند پروازی ها، باز مصیبت بیست و سه سال پیش را بار نیاورد و شهر ها را بخون نکشد. اینک شعری که بی کفایتی های عام و تام تنظیم داران بی نظم را نشان می دهد به حضور شما خوانندگان و هموطنان نجیب تقدیم می کنم تا از طرف من جوابی باشد به امیر صاحب محمد اسمعیل خان و پیروانش:

### فرمان برداری تا فرمان روایی!!

مرد میدان دیگر و طفل دبستان دیگر است	برق سوزان دیگر و شمع شبستان دیگر است
ای به جنگ و دشمنی برخاسته، هشیار باش	چاره غم های این قوم پریشان دیگر است
شاخ آفت دیده این باغ، ویران گشته را	صرصر باد صبا تا خشم طوفان دیگر است
در هوای صلح، راه جنگ پیمودن خطاست	حافظ جان دیگر و بگذشتن از جان دیگر است
نظم و نسق جامعه در حلقه تنظیم نیست	راه فرمانبر دگر، تطبیق فرمان دیگر است
خامه بر کف داشتن، یا تیغ در صف داشتن	نزد ارباب خرد، این دیگرست آن دیگر است
ای طبیب حاذق آخر چشم بگشا و ببین	درد مردم دیگرست و شکل درمان دیگر است
ما به زیر سایه اسلام بدعت می کنیم	کفر میخیزد اگر گویم، مسلمان دیگر است
آیه «لاتفرقوا» خوانیم و با هم دشمنیم	کرده ما دیگر و ارشاد قرآن دیگر است

جان و دل می سوزد از بی اتفاقی ها (اسیر)  
بسکه میگویند هر قومی ز افغان دیگر است

م. نسیم «اسیر» ۲ می ۹۲، بن المان